

بررسی اهداف و اصول و روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه

پریسا مسعودیان*

سعید بهشتی**

دریافت مقاله: ۹۱/۴/۱۱

پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۲۶

چکیده

یکی از ویژگیهای مهم این کار پژوهشی تلاش برای فراهم آوردن پژوهشی منظم در زمینه تربیت سیاسی و منبع قرار دادن نهج البلاغه به عنوان یکی از غنی ترین منابع در حوزه معارف سیاسی و اسلامی شیعه است. مسئله اصلی پژوهش، استخراج و تدوین اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه است.

این تحقیق، جنبه نظری دارد و روش پژوهشی آن، توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. مهمترین اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه عبارت است از: رساندن انسان به آزاد اندیشی، ایجاد امنیت و صلح، پرورش روح عدالت خواهی و توسعه آموزش و پرورش.

مهمترین اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه، عبارت است از: صداقت، مسئولیت سیاسی، شایسته سالاری، حق‌مداری، وفای به عهد، مدارا، ظلم ستیزی و وحدت مهمترین روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه عبارت است از: گفتگو و همنشینی با عالمان، محبت، تشویق و تنبیه، نظارت و امانتداری.

کلید واژه‌ها: تربیت سیاسی در نهج البلاغه، اهداف تربیت سیاسی در اسلام، اصول تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، روشهای تربیت سیاسی در اسلام.

* نویسنده مسئول: مربی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهبهان

pmasudian@yahoo.com

beheshti@atu.ac.ir

** دانشیار گروه فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

تکیه گاه دعوت اسلامی، تربیت است، اسلام آیین تربیت و سازندگی است. کتاب نهج البلاغه، که حاوی سخنان امام علی (ع) است از منابع اساسی در این زمینه است. هدف تربیت سیاسی در اسلام و نهج البلاغه، تربیت عموم مردم و کارگزاران حکومتی بر اساس معیارها و اصول اخلاقی است؛ هم‌چنین هدف، تربیت شهروندانی است که وظایف سیاسی و دینی خود را بشناسند و به آن پایبند باشند و تربیت کارگزارانی که مهارت تدبیر جامعه را بر اساس آموزه های دین اسلام به دست آورند و آن را اجرا کنند؛ زیرا یکی از مسائل مهم و مورد توجه هر نظام سیاسی، چگونگی عملکرد کارگزاران است به گونه ای که رفتار درست و سنجیده آنان در استحکام پایه های نظام نقشی شایسته داشته باشد.

امام علی (ع) در این زمینه می فرماید:

«... لا ینبغی ان یکون الوالی علی الفروج و الدماء و المغانم و الاحکام و امامة المسلمین البخیل،

فتکون فی اموالهم نهمة، ولا الجاهل فیصلهم بجهله.»

«...همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و خونها و غنیمت ها و احکام و امامت مسلمین ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را عهده دار شود تا در اموال آنها حریص گردد و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۴۹).

در این پژوهش سعی شده است از مجموع فرمانها و دستور العملهای سیاسی و اخلاقی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه بویژه نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی استخراج و تدوین شود.

بیان مسئله

به دلیل کمبود منابع پژوهشی لازم در جامعه اسلامی ما بویژه در زمینه تربیت سیاسی و مهم و اساسی بودن تربیت سیاسی در تحقق اهداف مادی و معنوی جامعه و هم‌چنین به دلیل عدم آشنایی جوانان با این کتاب غنی، که به عنوان یکی از غنی ترین و اساسی ترین منابع در حوزه معارف سیاسی و اسلامی شیعه است، اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه استخراج و تبیین شده است.

پرسش های این پژوهش عبارت است از:

- ۱- مفهوم تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه چیست؟
- ۲- اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه چیست؟
- ۳- اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه چیست؟
- ۴- روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه چیست؟

ادبیات تحقیق

در این قسمت، ضمن معرفی اجمالی پژوهشهای مرتبط با این تحقیق، سعی می شود تا نکات اساسی آنها با توجه به موضوع و سؤالات این پژوهش، معرفی شود و با نتایج آنها آشنایی به دست آید.

۱- شریفیان، رضا (۱۳۸۱). تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

در این پژوهش اصول و روشهای تربیت سیاسی بر مبنای سخنان امام علی(ع) بررسی شده و این نتیجه به دست آمده که تربیت سیاسی از دیدگاه حضرت علی(ع) نظام مند است و می توان مبنای لازم و کافی را برای استخراج اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی بر اساس نهج البلاغه، به دست آورد.

۲- مرزوقی، رحمت اله (۱۳۷۹). تربیت سیاسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

در این پژوهش محقق در ارتباط با مفهوم تربیت سیاسی به این نتیجه می رسد که تربیت سیاسی، آن بعد از تربیت اجتماعی است که عمدتاً به رابطه متقابل فرد و نظام سیاسی می پردازد و فراگیران یا نسل نو را برای نوع خاصی از زندگی سیاسی آماده می سازد.

۳- قائمی، علی (۱۳۶۲). تربیت سیاسی کودکان. تهران: شفق.

در این پژوهش، نظام سیاسی اسلام، بررسی و این دیدگاه مطرح شده که بر فکر و اندیشه مبتنی است؛ به همین دلیل، نظر به پرورش فکری خاص مبذول می شود.

تعریف مفاهیم

۱ - تعریف تربیت

واژه «تربیت» از «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است. «ربا الشیء: أى زاد و نما یعنی افزایش یافت و رشد کرد» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق).

با توجه به این معنا و مفهوم در بحث تربیت انسان، مفهوم و واژه تربیت بر پرورش استعدادهاى انسان یعنی فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می کند. «راغب اصفهانی در این باره می نویسد: «ربیت» از واژه «ربو» است و گفته اند اصلش از مضاعف یعنی «رب» است به این صورت که یک حرف مضاعف (حرف با) برای تخفیف به «یاء» تبدیل شده است؛ مثل «تظننت» که برای تخفیف به «تظنیت» تبدیل شده است» (ابوطالبی، ۱۳۸۳).

«در نهج البلاغه نیز این واژه به همین معنای پرورش و رشد دادن آمده است. حضرت علی (ع) در ستایش از انصار آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی می کند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸).

«هم والله ربوا الاسلام كما یربی الفلو مع غنائهم بایدیهم السباط و الستهم السلاط»:
«به خدا سوگند! آنها اسلام را پروراندند؛ چونان مادری که فرزندش را پروراند با توانگری، با دستهای بخشنده و زبانهای برنده و گویا (دستی، ۱۳۷۹: ۷۳۹).

دانشمندان تعلیم و تربیت اسلامی نیز در باره تربیت، تعاریفی را ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

«تربیت کوششی است که به منظور پرورش نوباوگان در مرحله معینی از حیات آنان صورت می گیرد» (شریف القریشی، ۱۳۸۱).

«تربیت در اصطلاح به معنی کوششی است به منظور ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او» (قائمی، ۱۳۶۲).

«شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدودن از ربوبیت غیر» (باقری، ۱۳۷۰).

به این ترتیب، تربیت یا پرورش تواناییهای انسان به این معنا است که زمینه‌ای فراهم شود تا استعدادهای وی بتدریج شکوفا شود و به کمال خود برسد.

۲ - تعریف سیاست

در لغتنامه دهخدا به نقل از چند مأخذ می نویسد: «سیاست: پاس داشتن ملک، نگهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، ریاست و داوری است» (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ ولی این اصطلاح در متون قدیم و جدید ادبیات فارسی بیشتر در دو معنای «مجازات و عقوبت» کردن و «اداره امور کشور» به کار رفته است.

ولایی در تعریف سیاست گفته است: «سیاست، همت گماشتن به اصلاح مردم با ارشاد و هدایت آنان به راهی است که در دنیا و آخرت موجب رهایی و نجاتشان شود» (ولایی، ۱۳۷۷: ۹). سیاست در نگاه امام علی(ع)، اداره استوار جامعه بر اساس معیارهای الهی و حرکتی حق مدارانه است و بر پایه آموزه های امام علی(ع) سیاست، شناخت و بهره وری از ابزارهای مشروع در اداره جامعه و تأمین رفاه مادی و معنوی جامعه است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

۳ - تعریف تربیت سیاسی

در تعریف تربیت سیاسی تا حدودی بین صاحب نظران اختلاف وجود دارد؛ برای نمونه کازامیاس و ماسیالاس^۱، تربیت سیاسی را فرایندی می دانند که از طریق آن افراد جهتگیری سیاسی خود را نسبت به جامعه کسب می کنند. از نظر آنها، تربیت سیاسی فرایندی است که از طریق آن، ارزشهای سیاسی و اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود (علاقه بند، ۱۳۷۵).

یکی از مهمترین سازوکارهای تربیت ملی، تربیت سیاسی است. آنچه در این خصوص حائز اهمیت است، آماده سازی افراد جامعه برای مشارکت فعال و همگانی در زندگی سیاسی و پذیرفتن مسئولیت اجتماعی و آشنا کردن افراد به حقوق فردی و اجتماعی است (قلی پور ثانی، ۱۳۸۰).

علیخانی معتقد است: «تربیت سیاسی یعنی شیوه اندیشیدن و تحلیل مسائل با استفاده از اطلاعات متغیر، روش طرح نظر و اندیشه های سیاسی، روش شنیدن و تحمل آرای مخالف، پرهیز از مطلق گرایی و تعصب ورزی در حوزه اندیشه سیاسی» (علیخانی، ۱۳۸۲: ۱۱).

به نظر نویسندگان این مقاله، تربیت سیاسی در نهج البلاغه یعنی مجموعه تدابیر و شیوه های مستخرج از نهج البلاغه (مجموع فرمانها و دستور العملهای سیاسی خطبه ها، نامه ها و حکمتها)

1 - Kazamias and Massialas

به منظور رشد و پرورش استعداد های متربی برای حضور زنده و فعال در عرصه های سیاسی محلی، ملی و جهانی؛ پس می توان گفت تربیت سیاسی یعنی پرورش انسانهایی آگاه، شایسته و متعهد؛ انسانهایی که خود را در برابر خدا و خلق خدا مسئول بدانند؛ در اداره و ساماندهی منطقه مأموریت خود و دیگر عرصه های سیاسی درونی (همانند روابط با مردم و رعایت حقوق آنان) و بیرونی (همانند مسائل جهانی و بین المللی) به وظایف و مسئولیتهای خود عمل کنند.

۴ - تعریف هدف تربیتی

هدف در لغت به معنای «ساختمان بلند» «برآمدگی کوه» «نشانه در تیر اندازی» و مانند آن است. قدر مشترک این معانی، برآمدگی، برجستگی و مرتفع بودن است. واژه های غرض، غایت و قصد با هدف مترادف و مفهوم «نهایت و سرانجام کار» در این واژه ها مشترک است (بهشتی، ۱۳۸۰). هدفها مراتب و سطوح گوناگونی را دربر می گیرد، و با تعابیر مختلفی بیان می شود. یک هدف تربیتی اگر در سطح جهانی یا ملی در نظر گرفته شود، «غایت تربیتی» یا «آرمان تربیتی» نامیده می شود. غایات تربیتی، «غایت مقصود و هدف نهایی کل سیستم آموزش و پرورش است و در غالب عبارتی کلی بیان می شود و شامل مفاهیمی است که از ارزشهای انسانی، اجتماعی و فرهنگی منشأ می گیرد.» (بهشتی، ۱۳۸۰)؛ به عبارت دیگر، هدف تربیتی، هدایت افراد به سوی کمال است؛ زیرا آنان برای این هدف خلق شده اند و هدف از وجود آدمی در این جهان رسیدن به نیکبختی یعنی بالاترین کمال یا خیر مطلق است.

پروند اهداف تربیتی را با توجه به سه ملاک «زمان» «تقسیمات جغرافیایی» و «اهمیت» تقسیم کرده، و معتقد است که اهداف به لحاظ زمان، شامل هدفهای بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت به لحاظ حدود جغرافیایی، شامل هدفهای کشوری، استانی، منطقه ای، شهری، مدرسه ای و کلاسی و به لحاظ اهمیت، شامل هدفهای عمده آموزش و پرورش، هدفهای یک دوره تحصیلی، هدفهای یک زمینه درسی در مقاطع مختلف، هدفهای عمده در یک کلاس و در یک مقطع تحصیلی و هدفهای جزئی یک درس در یک جلسه درس است. (پروند، ۱۳۶۹: ۱۹۱ و ۱۹۲).

از سوی دیگر، هدفهای تربیتی با توجه به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی نیز طبقه بندی شده است. هر حیطه، متشکل از مراتبی است که به ترتیب از ساده به پیچیده تنظیم شده است. سطوح هدفهای شناختی، شامل فهم، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی، سطوح هدفهای عاطفی شامل دریافت، ارائه پاسخ، ارج نهی، سازمان بخشی و اتصاف و سطوح هدفهای روانی -

حرکتی شامل مشاهده، تقلید، تمرین و سازش است (بهشتی، ۱۳۸۰).
 از نظر غزالی، هدف، رویکرد غایی به رفتار و قوی ترین وجهه عقلانی کرده های ماست.
 هدف، تجلی اراده و خواست آدمی و نیز بهره جدایی ناپذیر پدیده های رفتاری اوست. هدف به هر مفهوم و معنا، ناگزیر دارای عناصر زیر است:
 هدف، چیزی است که بر فعل مترتب می شود؛ در شرح این عنصر به دو نکته باید اشاره شود:
 الف) نفس فعل از آن رو که فعل است نمی تواند و نباید هدف باشد.
 ب) چنین نیست که هر آنچه بر فعل مترتب شود به الزام هدف باشد. توضیح اینکه آنچه بر پدیده های رفتاری انسان مترتب شود یعنی پیامدهای رفتاری به دو گونه است که یکی را نتیجه و دیگری را هدف گویند (رفیعی، ۱۳۸۱).

۵ - تعریف اصل تربیتی

«اصل، ریشه و سرچشمه یک شیء یا یک ساخت است» (احمدی، ۱۳۷۸). شریعتمداری اصول را چنین تعریف کرده است: «مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مریبان در تمام رفتار تربیتی باشد؛ این اصول بر پایه آموزه های دینی و پژوهشهای روانشناسی، جامعه شناسی، فرهنگی و نظریات مریبان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

«اصول تعلیم و تربیت، ابزاری است برای مریبان که با استفاده از آن می توانند بموقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی انجام دهند» (شکوهی، ۱۳۷۸).

اصول «جمع اصل» به رابطه مقرر میان پدیده ها یا عوامل گفته می شود؛ مثلاً رابطه بین روش تدریس معین و پیشرفت تحصیلی محصلان. مفهوم «اصل» معمولاً در برابر «مرام یا مسلک» به کار می رود و عینی و واقعی است؛ مانند «اصل ضروت فعالیت محصل برای یادگیری» در صورتی که «مرام» اعتباری یا شخصی است؛ مانند مذهب یا مکتب سیاسی. «اصل» منشأ و مصدر اشیا و اعمال است؛ ضرورتاً قابل تعمیم نیست و به وضع خاص بستگی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۷۶).

در نتیجه اصل تربیتی را می توان به عنوان قاعده ای عام و دستور العملی در نظر گرفت که از آن به عنوان راهنمای عمل در مسائل تربیتی استفاده می شود.

۶ - تعریف روش تربیتی

روش در لغت به معنای «طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آیین» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷).

علما و متفکران تربیتی نیز درباره روش، تعاریفی را ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

«روش تربیتی، راه رسیدن به یک هدف تربیتی است که در قلمرو تعلیم و تربیت به عنوان یک علم دستوری و کاربردی در بردارنده مفهوم «باید» است» (بهشتی، ۱۳۸۰).

«روشهای تربیتی، دستور العملهایی است که به ما می گوید برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم» (باقری، ۱۳۷۰).

در این قسمت اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه با توجه به خطبه‌ها، نامه ها و حکمت‌های نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته و استخراج شده است.

اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه

۱ - رساندن انسان به آزاد اندیشی

آزادی از آرمانهای فطری بشر است که در طول تاریخ مورد توجه انسان بوده است. آزادی از مفاهیم انتزاعی و ذهنی است، مانند مفاهیم فلسفی که هر کس با توجه به مبانی نظری خود، تعریفی از آن عرضه، و حد و مرزی برایش ترسیم کرده است.

یکی از ساده ترین و نیز حساسترین وجوه آزادی این است که شخص در انتخاب و پذیرش هر نوع اندیشه و فکری اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی، مذهبی و ... آزاد است و بدون هیچ گونه احساس نگرانی و بیم و هراس، هر آنچه از حقیقت جان و اندیشه اش می جوشد، برگزیند و اظهار کند (ولایی، ۱۳۷۷).

امام علی (ع) می فرماید: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»:

«بنده دیگران مباش چون خداوند تو را آزاد آفریده است» (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۷۸).

بر اساس آموزه های مکتب علوی، همه انسانها آزادند و هرگز نباید در کمند برده داری و برده آفرینی دیگران قرار گیرند.

۲ - ایجاد امنیت و صلح

۲ - ۱ - امنیت

امنیت در فرهنگ «در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن تعریف شده است» (دهخدا، ۱۳۷۷).

امنیت هم‌چنین، «رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند است.» (دهخدا، ۱۳۷۷).

امنیت به صورت وسیع در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامت و دیگر موقعیتهایی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (میر عرب، ۱۳۷۹).

امام علی (ع)، تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه های قیام صالحان و اهداف عالی می‌داند و می‌فرماید:

«اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي كان منا منافسة في سلطان، ولا التماس شيء من فضول الحطام، ولكن لئلا نلذ المعالم من دينك، ونظهر الإصلاح في بلادك، فيأمن المظلومون من عبادك، وتقام المعطلة من حدودك.»

«خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا شود.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

۲ - ۲ - صلح

«اسلام از ماده «سلم»، و یکی از معانی آن صلح و سازش است؛ چنانکه ایمان از ماده «امن» به معنای امنیت است؛ پس اساس اسلام بر صلح و امنیت است» (ولایی، ۱۳۷۷).

امام علی (ع) در پاسخ به خوارج، که ماجرای حکمیت را نمی‌پذیرفتند، قبل از ورود به شهر در نزدیکی کوفه فرمود:

«فإنما فعلت ذلك ليتبين الجاهل، و يثبت العالم، و لعل الله أن يصلح في هذه الهدنة أمر هذه الأمة، ولا تؤخذ بأكظامها، فتعجل عن تبين الحق، و تنقاد لأول الغي.»

«من این کار را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد و دانا بر عقیده خود استوار بماند و اینکه شاید در این مدت آشتی و صلح، خدا کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد تا در جستجوی حق شتاب بورزند و تسلیم اولین فکر گمراه کننده نگردند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

۳- پرورش روح عدالت خواهی

«عدل» در لغت به معنای «داد» و «انصاف» و «برابری»، و عدالت به معنای «دادگری» و ضد «ستمگری» است (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ چنانکه امام علی (ع) می فرماید:

«العدل یضع الأمور مواضعها»

«عدالت، هر چیزی را در جای خود می نهد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۶).

«عدالت و قسط» به معنای میانه روی و تعادل در کارها و به دور از افراط و تفریط بودن است.

در اهمیت عدل همین بس که خداوند انگیزه بعثت پیامبران را اقامه عدل می شمرد: «لِیُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵).

۴- توسعه آموزش و پرورش

امام علی (ع)، دانش را پایه و اساس همه خوبیها و کامیابیهای مادی و معنوی و معیار ارزشیابی انسان می دانست.

در نظر ایشان تربیت صحیح بنیان همه سعادتهاست و هر امری در سایه تربیت درست به سامان می رسد؛ هم چنین آن حضرت به کمیل بن زیاد می فرماید:

«النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رِبَانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلِيٌّ سَبِيلُ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رِعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ»:

«مردم سه دسته اند: دانشمند الهی، آموزنده ای در راه رستگاری و پشه های دست خوش باد و

طوفان و همیشه سرگردان که به دنبال هر سروصدایی می روند و با وزش هر بادی حرکت می کنند؛

نه از روشنایی دانش نور گرفتند و نه به پناهگاه استواری پناه گرفتند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۷۰).

آن حضرت می فرماید: «لا شرف كالعلم»: «شرافتی چون دانش نباشد» (عزیزی، ۱۳۸۴: ۸۷).

اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه

۱- اصل صداقت

صداقت را بنیادیترین اصل سیاستهای مدیریتی حضرت علی (ع) می توان شمرد. اگر صداقت

از مجموعه کنشها و رویاروییهای سیاستمداران با مردم حذف شود، حق مداری، قانونگرایی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و ... بی معنا خواهد بود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

«لولا کراهیه الغدر لکننت من ادهی الناس ولکن کل غدره فجره و کل فجره، کفره:» «اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرکترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۲۲).

حاکمان در اندیشه سیاسی اسلام، نباید از جهل مردم سوء استفاده کنند یا به خاطر منافع و مصالح حقایق را بپوشانند و یا از گفتن سخن حقی که به ضرر خودشان است، خودداری کنند (علیخانی، ۱۳۸۲).

۲ - اصل مسئولیت سیاسی

مسئولیت مصدری، جعلی از سؤال به معنای بازخواست، مسئول کسی است که عهده دار کاری باشد و در صورت تخلف از آن مورد بازخواست، قرار گیرد (احمدی، ۱۳۸۰).

عنصر محوری در شخصیت انسان که او را از حیوان متمایز می کند، احساس تعهد به حق و فضیلت است. شرافت انسانی در وجود او خاستگاه نوعی احساس مسئولیت در پیشگاه الهی است (توسلی، ۱۳۸۰).

امام علی (ع) می فرماید: «السلطان وزعه الله فی ارضه»: «حاکم اسلامی، پاسبان خدا در زمین اوست» (دشتی، ۱۳۷۹: ۷۰۸).

«انسان بسیاری از کمالات و ترقیات خود را در پرتو تکلیف و قانون و مسئولیت قانونی طی می کند. برای انسان بسی افتخار است که می تواند حقی را بر عهده بگیرد و وظیفه ای را گردن نهد» (مطهری، ۱۳۷۸).

حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ خود به امام حسن (ع) به چهار ارزش مهم، که در واقع مسئولیتهای اجتماعی نیز به شمار می آید، توصیه می فرماید:

الف - امر به معروف و نهی از منکر

ب - تحمل سختیها و مشکلات در راه حق و در مسیر جهاد فی سبیل الله

ج - یاری مستمندان

د - قرض الحسنه (ماندگار، ۱۳۷۹).

۳ - اصل شایسته سالاری

در فرهنگ سنتی عرب، شایستگی‌ها جایگاهی در عزل و نصبها نداشت، بلکه نژاد، خون و نیز انتساب به قبیله بود که در موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، بیشترین دخالت را داشت (ماندگار، ۱۳۷۹).

امام علی (ع) اهمیت ویژه‌ای به گزینش کارگزاران شایسته می‌داد. آن حضرت در این ارتباط به مالک اشتر فرمان می‌دهد که: فول من جنودك انصحهم من نفسك لله و لرسوله و لا مامك و انقاهم جیباً، و افضلهم حلماً، ممن یبطل عن الغضب، و یستریح الی العذر، و یراف بالضعفاء و ینبو علی الاقویاء، و ممن لا یثیره العنف، و لا یقعد به الضعف. ثم الصق بدوی المروءات و الاحساب، و اهل البیوتات الصالحه و السوابق الحسنه؛ ثم اهل النجده و الشجاعه، و السخاء و السماحه؛ فانهم جماع من الکرم، و شعب من العرف:

برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر، و دامن او پاکتر، شکیبایی او برتر باشد؛ از کسانی که دیر به خشم آید و عذر پذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند؛ درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکیها را در خود گرد آورده‌اند (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۳).

۴ - اصل حق مداری

شناخت حقوق متقابل، توجه به آن و محور قرار گرفتن حق در روابط بنیان اخلاق است. امام علی (ع) در رابطه با این اصل می‌فرماید: «إن أفضل الناس عند الله من كان العمل بالحق أحب إليه - و إن نقضه و کرثه - من الباطل و إن جرایه فائده وزاده»: «برترین مردمان نزد خداوند، کسی است که رفتار بر پایه حق - گرچه او را به سختی اندازد - برایش دوست داشتنی‌تر از باطل است؛ گرچه برایش سود آور شود» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۳۸).

۵ - اصل وفای به عهد

یکی از بااهمیت‌ترین روابطی که میان چند انسان برقرار می‌شود، رابطه معاهده است، علت به

وجود آورنده این رابطه نیازهای گوناگونی است که انسانها را به بستن پیمانها (قراردادها، تعهدها، معاهده ها) ملزم می سازد. (لنکرانی، ۱۳۷۹).

امام علی (ع) در مورد وفای به عهد می فرماید: «ایها الناس! وان الوفاء توأم الصدق و لا اعلم جنه اوقی منه، ما یغدر من کیف المرجع و لقد اصبحنا فی زمان قد اتخذ اکثر اهله الغدر کیساً و نسبهم اهل الجهل فیهِ الی حسن الحیله:»

«ای مردم! بدرستی که وفا، همزاد راستی است و هیچ سپری بازدارنده تر از آن نمی شناسم. آن که از چگونگی رستاخیز آگاه شود، دغلکاری نکند. اما امروز در محیط و زمانه ای به سر می بریم که بسیاری از مردمان، دغلکاری را خردمندی دانسته اند و نادانان، آن ها را چاره اندیش خوانند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۹۵).

۶ - اصل مدارا

«منظور از مدارا، شفقت و مهربانی همراه با گذشت و عفو نسبت به مردم است که در رفتار و مناسبات انسانی مسلمانان با هم و با دیگر انسانها و نیز در رفتار حکومتی ضرورت دارد» (حسینی، ۱۳۷۹: ۴۴۳).

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «ارفق ما کان الرفق ارفق و اعترم بالشدۀ حین لا تغنی عنک الا الشده:»

«در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۸).

امام علی (ع) در حکومت خود در برابر متخلفان، هرگز به رعب آفرینی و وحشت گستری توسل نمی جستند. ایشان بر این باور بودند که مدارا با مخالفان از تندی آنان می کاهد و زمینه های صحنه آفرینی و جو سازی را از آنان می ستاند.

۷ - اصل ظلم ستیزی

ظلم ستیزی نیز از اصول تربیت سیاسی است که امام علی (ع) بر آن در نهج البلاغه تأکید زیادی کرده است. ایشان در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «و لیس شیء ادعی الی تغییر نعمه الله و تعجیل نعمته من اقامه علی ظلم فان الله سمیع دعوه المضطهدین و هو للظالمین بالمرصاد:»

«ای مالک هیچ عاملی به قوت ظلم، نعمت خدا را دگرگون و عذاب او را نزدیک نمی کند که

خدا، شنوای ناله و فغان مظلوم و در کمین ظالم است» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۸).

۸ - اصل وحدت

«وحدت» یکی از رموز تداوم حیات جامعه اسلامی، اقامه دین و حفظ آن است. از دیدگاه اسلام، حیات فردی عزت مند در سایه اتحاد و همبستگی اجتماعی است که فراهم خواهد شد. امام علی(ع) در این رابطه می فرماید: «ولیس رجل - فاعلم - احرض علی جماعة امة محمد(ص) و الفتها منی، ابتغی بذلک حسن الثواب»: «پس بدان در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد(ص) و به انس گرفتن آنان به همدیگر از من دلسوز تر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم» (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۱۸).

روشهای تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه

۱ - روش گفتگو

آدمی برای زندگی انسانی، نیازمند آگاهیها و ارشادهای بسیار است؛ از آنجا که در معرض غفلت و خود خواهی است، بسیاری از واقعیات بر او پوشیده می ماند. امام علی(ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «و اکثر مدارسة العلماء و مناقشة الحكماء فی تثبیت ما صلح علیه امر بلادك و اقامه ما استقام به الناس قبلک»:

«با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

۲ - روش محبت

«محبت» از جمله فضایل اخلاقی است که موجب استواری بنیانهای روابط اجتماعی افراد در جامعه و نیز موجب تقویت رابطه حاکم و فرمانبرداران می شود؛ چه اگر مناسبات حاکم و فرمانروا بر محبت مبتنی باشد، دوام حکومت حاکم را موجب خواهد شد. امام علی(ع) در مورد محبت و دوستی می فرماید: «التودد نصف العقل»:

«اظهار محبت و دوستی نیمی از خردمندی است» (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۵۸).

۳- روش تشویق و تنبیه

«تشویق و تنبیه، تنها در نظام آموزش و پرورش خلاصه نمی شود، بلکه اهمیت آن تا بدانجاست که هیچ سیاست و تدبیری - چه در جامعه‌ای کوچک یا کشوری پهناور - بدون این دو عنصر، کارساز نخواهد بود. اصولاً نظام آفرینش بر مبنای «تشویق» و «تنبیه» استوار است» (ولی زاده، ۱۳۸۴).

جامعه حاکم اسلامی نسبت به رفتار همکاران و معاونان و کارگزاران خود نمی تواند بی اعتنا باشد. باید از عملکرد افراد صالح و مردمی قدردانی، و به افراد غیر صالح و منحرف هشدار داده، و در برابر هر یک موضع مناسب گرفته شود. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: و لا یكونن المحسن و المسیء عندک بمنزله سواء فان فی ذلک ترهیدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاساءه علی الاساءه و الزم کلامنهم ما الزم نفسه. و اعلم انه لیس شیء بادعی الی حسن ظن راع برعیته من احسانه الیهم و تخفیفه المؤمنات علیهم و ترک استکراهه ایهم علی ما لیس له قبلهم. فلیکهن منک فی ذلک امر یجتمع لک به حسن الظن برعیتک ما فان حسن الظن یقطع عنک نصباً طویلاً. و ان الحق من حسن ظنک به لمن حسن بلاوک عنده:

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می گردند؛ پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. بدان ای مالک! هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری نیست که دوست ندارند؛ پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی که این خوشبینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می دارد؛ پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوشبین باش (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

۴- روش نظارت

از آنجا که بشر از کرامت و بزرگواری برخوردار است، نباید با او مانند حیوانات پست و ناچیز برخورد شود؛ به همین سبب انسان حق دارد بر مسائل و امور سیاسی و اجتماعی خود نظارت کند. تقریباً تمامی سخنان امام علی (ع) که در باب امر به معروف و نهی از منکر آمده است، مصداق روشن و واضح این روش است. امر به معروف و نهی از منکر به مردم اجازه می دهد در کارهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی خود دخالت، و جریان آنها را پیگیری کنند. دلالت چنین سخنی، این

است که اگر این نظارت مردمی نباشند، انسانهای پلید و بدکار به حکومت می‌رسند. تربیت سیاسی کارگزاران نیز از راه نظارت و مراقبت از شیوه‌های تربیتی آن حضرت می‌باشد (حسنی، ۱۳۷۹: ۴۴۳).

۵ - روش امانتداری

هر کس در هر جایگاه و مرتبه مدیریتی امانتدار مردم است و باید از اموال، نوامیس، حیثیت و شرافت مردم پاسداری کند. امام علی (ع) به مالک شتر در این باره سفارش می‌کند درباره شخصی که می‌خواهد برگزیند، بدین امر توجه کند و با بررسی سوابق و عملکرد گذشته آنها ببیند، آیا اهل امانتداری بوده‌اند یا خیر؛ به عبارت دیگر بر اساس اندیشه سیاسی امام علی (ع) امانتداری از ویژگیهای برجسته کارگزاران حکومتی است. هر چه در اختیار آنان قرار می‌گیرد، اعم از منصب و دارایی به عموم ملت مربوط است و تا مدتی نزد آنها امانت است؛ از این رو، هر کارگزار دولت وظیفه دارد، امانتهای مردم را بخوبی حفظ، و در جهت منافع مادی و معنوی آنها از آن استفاده کند (افخمی اردکانی، ۱۳۸۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد به بررسی اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی نهج البلاغه پرداخته شود. نتایجی که از تبیین اهداف، اصول و روشهای تربیت سیاسی در نهج البلاغه به دست آمد به این شرح است: در قسمت بررسی مفاهیم به تبیین مفاهیمی مانند تربیت، سیاست، تربیت سیاسی، هدف تربیتی، اصول تربیتی و روش تربیتی پرداخته، و مشخص شد که واژه تربیت از «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است.

رَبَا أَلْشَّىءُ أَيُّ زَادَ وَ نَمَا یعنی افزایش یافت و رشد کرد. در نهج البلاغه نیز این واژه به معنای پرورش و رشد دادن آمده است. حضرت علی (ع) در ستایش از انصار آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی می‌کند.

بعد از آن مفهوم سیاست بررسی شد که، شناخت و بهره‌وری از ابزارهای مشروع در اداره جامعه و تأمین رفاه مادی و معنوی مردم است.

پس از این دو مفهوم، تربیت سیاسی بررسی شد که، مجموعه تدابیر و شیوه‌های مستخرج از

نهج البلاغه (مجموع فرمانها و دستور العملهای سیاسی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها) به منظور رشد و پرورش استعدادها و تربیتی برای حضور زنده و فعال در عرصه‌های سیاسی محلی، ملی و جهانی بیان شد.

در قسمت بعد هدف، اصل و روش تربیتی، تعریف، و نظریات برخی از متفکران تربیتی در این زمینه مطرح شد. در جمع‌بندی کلی توجه به این نکته ضروری است که بر مبنای نهج البلاغه هدف تربیت سیاسی، پرورش کارگزارانی با فرهنگ اسلامی است به گونه‌ای که در اجرای قوانین و اداره جامعه، همواره خدا را در نظر داشته باشند و بر محور حق عمل کنند. کسی که به مقام اجرایی برگزیده می‌شود، آزاد اندیش، خواهان صلح و امنیت، عدالت و توسعه آموزش و پرورش باشد. بزرگترین حق در میان حقوق متقابل، حق حکومت بر مردم و حق مردم بر حکومت است. بر مبنای نهج البلاغه مردم هرگز روی صلاح و شایستگی نخواهند دید مگر اینکه حکومتشان صالح باشد و حکومتها هرگز اصلاح نخواهند شد مگر اینکه مردم اصلاح شوند که لازمه آن اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه یعنی صداقت، مسئولیت سیاسی، شایسته‌سالاری، حق‌مداری، وفای به عهد، مدارا، ظلم‌ستیزی و وحدت است.

حضرت علی (ع) روشهای مختلفی را در تربیت سیاسی به کار گرفته است. فرمانهای امام به کارگزاران ارشد حکومتی که خود رهبری آنها را به عهده داشته‌اند، شامل شیوه‌های گوناگون تربیت سیاسی افراد بوده که عبارت است از: روش گفتگو و همنشینی با عالمان، محبت، تشویق و تنبیه، نظارت و امانتداری.

منابع

- ابن منظور، محمد مکرم (۱۴۱۶ ق). لسان العرب. ج ۵. بیروت: دارصادر.
- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۳). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۸). اصول تربیت. چ دوم. تهران: انتشارات آریین.
- احمدی، ظهیر (۱۳۸۰). آزادی و مسئولیت از منظر نهج البلاغه. نشریه صادق. ش ۲: ۱۲.
- افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۴). تبیین مبانی، اصول و روشهای تربیت اجتماعی در نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبایی.
- باقری، خسرو (۱۳۷۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.

- بهشتی، سعید (۱۳۸۰). آیین خردپروری. پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی (ع). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بهشتی، سعید (۱۳۷۹). نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی (ع). رساله دکتری چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- پروند، محمدحسن (۱۳۶۹). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران: انتشارات صحیفه.
- توسلی، حسین (۱۳۸۰). فلسفه حق در اندیشه سیاسی آیت اله مطهری. فصلنامه علوم سیاسی. قم: مؤسسه آموزشی باقرالعلوم. ش ۱۳: ۱۹۳.
- حسینی، محمد (۱۳۷۹). درآمدی بر مبنای، اصول و روش های تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع). مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام و امام علی (ع). انتشارات تربیت اسلامی: ۴۴۳.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸). ماه مهرپرور، تربیت در نهج البلاغه. چ دوم. تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه حضرت امیر(ع). چ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین(ع).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. چ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن. ج ۳. تهران: انتشارات زیتون.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چ بیست و چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شرفیان، رضا (۱۳۸۱). تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع). پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه تربیت معلم.
- شریف القریشی، یوسف (۱۳۸۱). آموزه‌های سیاسی در قابوسنامه. فصلنامه علوم سیاسی. مؤسسه آموزشی باقرالعلوم. ش ۱۳: ۲۶.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش. چ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شکوهی، غلام حسین (۱۳۷۸). مبنای و اصول آموزش و پرورش. چ یازدهم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عزیزی، عباس (۱۳۸۴). نهج البلاغه موضوعی. چ ششم. تهران: انتشارات صلاه.
- علاقه بند، علی (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش. چ سوم. تهران: انتشارات بعثت.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲). اخلاق و سیاست در نگرش و روش امام علی(ع). فصلنامه علوم سیاسی. ش ۲۳: ۲۴.
- قلی پور ثانی، محسن (۱۳۸۰). روشنفکران. نشریه مردم سالاری. ش ۲. سال اول: ۲.
- قائمی، علی (۱۳۶۲). تربیت سیاسی کودک. تهران: انتشارات شفق.
- لنکرانی، محمد فاضل (۱۳۷۹). آیین کشور داری از دیدگاه امام علی (ع). تقریر حسین کریمی. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.

ماندگار، محمد مهدی (۱۳۷۹). نهج البلاغه و مبانی خط مشی گذاری در حکومت. فصلنامه علوم سیاسی. ش ۱۱: ۸۱ تا ۸۴.

مرزوقی، رحمت اله (۱۳۷۹). تربیت سیاسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). سیاست نامه امام علی (ع). ترجمه مهدی مهریزی. تهران: انتشارات دارالحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). حکمت ها و اندرزها. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). سیری در نهج البلاغه. چ دهم. قم: انتشارات صدرا.

میر عرب، مهرداد (۱۳۷۹). نیم نگاهی به مفهوم امنیت ترجمه سید عبدالقیوم سجادی. فصلنامه علوم سیاسی. قم: مؤسسه آموزشی باقرالعلوم. ش ۹: ۳۳.

ولایی، عیسی (۱۳۷۷). مبانی سیاست در اسلام. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ولی زاده، مراد (۱۳۸۴). تبیین ویژگی ها، چالش ها و پیامدهای مربوط به روش های تربیتی تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبایی.

